

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حافظ



درس نامه

تفسیر قرآن دکتری

تلخیص، تنظیم و تسهیل منابع درس تفسیر
ویژه آزمون دکتری رشته علوم قرآن و حدیث

چاپ اول؛ سال ۱۴۰۰



موسسه آموزشی حافظون
ویژه دروس تخصصی رشته قرآن و حدیث

درس نامه تفسیر قرآن دکتری
تلخیص، تنظیم و تسهیل منابع درس تفسیر
ویژه آزمون دکتری الهیات - علوم قرآن و حدیث
چاپ اول؛ سال ۱۴۰۰
مؤلف: کاظم خواجهی

ناشر: انتشارات آیات مبینات
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۵۱۴۱-۱-۵
تیراژ: ۳۰۰ جلد

مدیریت	مؤسسه	تماس با ما
-	۰۲۱۳۳۴۴۲۰۰۵	شماره ثابت
-	۰۹۱۹۸۰۰۰۹۷۰	شماره همراه
	www.haafezoon.ir	سایت
rasoulmohammadzadeh@yahoo.com	haafezoon@gmail.com	ایمیل
۱۰۰۰۲۱۳۳۴۴۲۰۰۵	۰۲۱۳۳۴۴۲۰۰۵	سامانه دریافت پیامک
Rasooll.ir	Haafezoon	اینستاگرام



فهرست مطالب

۶	معانی تفسیر، تأویل و ترجمه
۱۵	تفسیر در عصر پیامبر ۶ و صحابه
۱۹	تفسیر در عصر تابعین
۲۶	تفسیر در عصر تدوین
۲۸	تفسیر به مأثور
۳۸	تفسیر اجتهادی
۴۶	تفسیر در مکتب معتزله
۴۹	تفسیر نزد شیعه امامیه
۵۷	تفسیر خوارج
۵۹	تفسیر علمی
۶۱	خلاصه کنکوری نام تفاسیر
۷۷	تفسیر سوره مبارکه آل عمران
۲۰۵	تفسیر سوره مبارکه انسان
۲۱۷	تفسیر سوره مبارکه طارق
۲۲۲	تفسیر سوره مبارکه اعلی
۲۲۸	تفسیر سوره مبارکه علق



بخش اول

تاریخ تفسیر



درس ۱

معانی تفسیر، تاویل و ترجمه

تفسیر

معنای لغوی تفسیر: تبیین و روشن نمودن.

این واژه، مصدر باب تفعیل از ریشه «فسر» می‌باشد. عده‌ای معتقدند که این واژه، از ریشه «سفر» بوده که مقلوب شده است. ریشه «سفر» نیز به معنای کشف است. عرب می‌گوید: «اسْفَرَ الصَّبْحُ: صبح روشن شد» یا «اسفرت المرأة عن وجهها: زن روی باز نمود و صورتش نمایان شد». تفاوت ریشه «سفر» و «فسر» در این است که «سفر» به کشف ظاهری و مادی دلالت می‌کند و «فسر» به کشف باطنی و معنوی. به هر حال، «فسر» و «سفر» هر دو به معنای کشف می‌باشند.

معنای ریشه فسر و واژه تفسیر

ابن منظور	- الفَسْرُ: البیان و کشفُ المَغْطَى : بیان به معنای کشف نمودن چیز پوشیده - التفسیرُ کشفُ المراد عن اللفظ المُشکل: کشف نمودن معنی لفظ مشکل
ابن فارس	- الفَسْرُ تَدْلُّ علی بیانِ شیءٍ و ایضاحه: فسر دلالت می‌کند بر بیان نمودن چیزی و روشن نمودن آن
صاحب قاموس المحيط	- الفَسْرُ الابانَةُ و کشفُ المَغْطَى..... و هو کشفُ المراد عن المُشکل: فسر یعنی روشن نمودن، کشف نمودن چیز پوشیده‌ای و کشف نمودن معنی از لفظ مشکل
المنجد	التفسیر: التَّوْیل، الکشف، الايضاح، البیان
سیوطی	التفسیر تفعیل من الفَسْر و هو البیان و الکشف و یقال هو مقلوب السَّفَر



معنای اصطلاحی تفسیر: علم فهم قرآن.

نظرات درباره معنای تفسیر	
زرکشی	التفسیر علمٌ يعرف به فهم کتاب الله المنزل علی نبیّه محمد ﷺ و بیان معانیه و استخراج احکامه و حکمه
-	بیان کلام الله و بیان الفاظ قرآن و مفهومات آن
-	علم به نزول آیات و اسباب نزول و آیات مکی و مدنی، محکم و متشابه، ناسخ و منسوخ، خاص و عام، مطلق و مقید، حلال و حرام، وعد و وعید، امر و نهی قصص قرآن
ابوحیان در بحر المحيط	علمی که در آن بحث می‌شود از کیفیت تلفظ قرآن (علم قرائت) و مدلولات (علم لغت) و احکام فردی و ترکیبی (علم تصریف و بیان و بدیع) و معانی آنها که در حال ترکیب به معانی حمل می‌شود (هم مواردی که دلالت بر حقیقت دارد و هم مواردی که دلالت بر مجاز دارد) و تتمه‌هایی بر اینها (شناخت نسخ و سبب نزول و قضیه‌ای که چیزی از مبهمات قرآن را واضح می‌سازد).
ذهبی	دانشی که بحث می‌کند از مراد الله در قرآن بقدر طاقت بشری



خشکانده است؛ در نتیجه از آن عادات و رسوم، جز نشانه‌هایی اندک- که بدون اطلاع از آنها، فهم معانی آیات مربوط به رسوم جاهلی و احوال گذشتگان ممکن نخواهد بود- چیزی بر جای نمانده است.

۳- قرآن کریم اموری کلی را مطرح ساخته و جزئیات آن را وا گذاشته است. این خود سبب اجمال آیات شده و محتاج به شرح و بیان است؛ مثل جنبنده‌ای که از زمین خارج خواهد شد و با مردم سخن خواهد گفت و یا دلیلی که موجب اثبات مصونیت یوسف از ارتکاب گناه گردید و مانند اینها.

۴- گاه در قرآن کریم الفاظ غریب و ناآشنایی آمده که هر چند در واقع در اوج قله فصاحت است، چنانچه توضیح داده نشود، فهم آن برای عامه مردم دشوار است. راغب اصفهانی در مقدمه تفسیرش می‌نویسد: «تفسیر یا در توضیح و شرح الفاظ ناآشنا کاربرد دارد؛ مانند بحیره، سائبه و وصیله، یا در تبیین جملات کوتاه؛ همانند آیه شریفه ﴿وَأَقِمُْوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ﴾ و یا توضیح جملاتی که در بردارنده حکایتی است که بدون آشنایی با آن، معنای جمله قابل فهم نیست؛ مانند آیه شریفه ﴿إِنَّمَا النَّسِيءُ زِيَادَةٌ فِي الْكُفْرِ﴾ یا ﴿وَلَيْسَ الْبِرَّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا﴾.

تأویل

معنای لنوی تأویل: از ریشه اول به معنای رجوع

نظرات درباره معنای تأویل	
صاحب قاموس	آل إليه: رَجَعَ و عنه ارتدَّ
ابن منظور	الاول: الرجوع، آل الشيء يؤولُ أولاً و مآلاً رَجَعَ و أَوَّلَ الشيء رَجَعَهُ
شیخ طبرسی	به سرانجام رساندن
-	از «ایالهُ» به معنی سیاست گرفته شده و تأویل کننده گوئی کلام را رهبری و سیاست می‌کند تا در جای خود قرار دهد
راغب اصفهانی	تأویل برگرداندن چیزی است به پایان و نتیجه‌ای که از آن مراد است خواه گفتاری باشد خواه کرداری، دلیل این قول از قرآن است: ﴿ذَلِكَ تَأْوِيلُ مَا لَمْ تَسْطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا﴾

معنای اصطلاحی تأویل

علمای متقدم	۱- به معنی تفسیر (مجاهد و طبری)
علمای متأخر	۲- مراد اصلی کلام. تأویل اصلی جمله «طلعت الشمس» نفس طلوع شمس می‌باشد متکلمان و فقیهان: برگرداندن لفظ از معنی راجح به معنی مرجوح



نظر علامه طباطبایی درباره تأویل

تأویل هر چیزی حقیقتی است که آن چیز از آن سرچشمه می‌گیرد و آن چیز به نحوی تحقق‌دهنده و حامل و نشانه اوست چنانکه صاحب تأویل زنده تأویل است و ظهور تأویل با صاحب تأویل است.

حقایق و معنویات قرآن نیز در قالب بیان لفظی نمی‌گنجد. تنها کاری که از ساحت غیب شده این است که با این الفاظ به جهان بشریت هشیاری داده شده که با ظواهر اعتقادات حقه و اعمال صالحه، خودشان را مستعد درک سعادت می‌کنند اینها را با مشاهده و عیان درک کنند و روز قیامت این حقایق به طور کامل روشن و هویدا می‌شود.

✓ طبق آیه ﴿وَإِنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلُّ حَكِيمٍ﴾ (زخرف/۴)، تأویل قرآن حقیقت یا حقایقی است که در ام‌الکتاب پیش خداست و از مختصات غیب می‌باشد.

✓ طبق آیات: ﴿إِنَّهُ لَقُرْءَانٌ كَرِيمٌ﴾ (77) ﴿فِي كِتَابٍ مَّكْنُونٍ﴾ (78) ﴿لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ﴾ (79) ﴿تَنْزِيلٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ﴾ (واقعہ/۷۷-۸۰) دو مقام برای قرآن اثبات می‌شود:

۱. مقام کتاب مکنون که از مس‌مس کنندگان مصون است.

۲. مقام تنزیل که برای مردم قابل فهم می‌باشد.

✓ طبق آیه ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾ (احزاب/۳۳) که به موجب اخبار متواتره در حق اهل بیت نازل شده، آنها از پاک‌شدگان و به تأویل قرآن آگاه هستند.

استعمال تأویل در قرآن

- آیاتی که متضمن کلمه «تأویل» است در ۷ سوره از قرآن آمده و ۱۶ آیه می‌باشد من جمله:
آل عمران/۷، نساء/۵۹، اعراف/۵۳، یوسف/۶، یوسف/۱۰۰ و....

استعمال تأویل در روایات

در روایات بسیاری از جمله:

۱- امام صادق ۷: «إِنَّ اللَّهَ عَلَّمَ نَبِيَّهِ مِنَ التَّنْزِيلِ وَ التَّأْوِيلِ فَعَلَّمَهُ رَسُولَ اللَّهِ عَلِيًّا»

۲- امام صادق ۷: «نَحْنُ الرَّاَسَخُونَ فِي الْعِلْمِ وَ نَحْنُ نَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ»

۳- امام باقر ۷: «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ أَفْضَلَ الرَّاَسَخِينَ فِي الْعِلْمِ فَقَدْ عَلَّمَ جَمِيعَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ التَّأْوِيلِ وَ التَّنْزِيلِ»

ملاک ها و شرایط تأویل صحیح

۱- رعایت مناسبت و ارتباط تنگاتنگ بین معنای ظاهری و باطنی

۲- رعایت نظم و دقت در کنار گذاشتن خصوصیات کلام مورد تأویل و تجرید آن از قراین خاصه است تا حقیقت و مغز آن در قالب مفهوم عام هویدا گردد. (مانند «تنقیح مناط» در اصول و «سبر و تقسیم» در منطق)



فرق تفسیر و تأویل

ابوعبید	تفسیر و تأویل به یک معنی است
راغب	تفسیر اعم از تأویل است. تفسیر بیشتر در الفاظ به کار می‌رود و تأویل بیشتر در معانی و جمله‌ها به کار می‌رود و اکثراً در کتب الهی انجام می‌گیرد و تفسیر هم در کتب الهی و هم در کتابهای دیگر واقع می‌شود
ماتریدی	- تفسیر تعیین کردن آن است که مراد از لفظ همین معنی است و شهادت دادن به اینکه خداوند همان منظور را از آن لفظ داشته، پس اگر دلیل قطعی بر آن باشد، صحیح، وگرنه تفسیر به رأی است که از آن نهی شده. - تأویل ترجیح دادن یکی از احتمالات است بدون قطع و شهادت بر منظور خداوند نسبت به آن.
ثعلبی	- تفسیر بیان وضع لفظ است به طور حقیقت یا مجاز مانند تفسیر صراط به راه یا صیب به باران. - تأویل بیان باطن لفظ است که از اول = عاقبت امر گرفته شده. در نتیجه تأویل خبر دادن از حقیقت مراد و تفسیر خبر دادن از دلیل مراد است. زیرا لفظ کاشف از مراد است و کاشف دلیل می‌باشد. مثال: ﴿إِنَّ رَبَّكَ لَبَلْصَادٌ﴾ تفسیر: مرصاد از «رصد»، رصدته = رقبته = آن را زیر نظر گرفته و مراقبش بودم - مرصاد باب مفعال // تأویل: هشدار از مسامحه و سهل‌انگاری نسبت به امر خدا و برحذر داشتن از غفلت در آمادگی و مهیا بودن برای عرضه بر خداوند، و دلائل قطعی می‌رساند که مراد از آیه همین است برخلاف وضع آن لغت.
ابونصر قشیری	تفسیر فقط از پیروی و روایت بدست می‌آید و تأویل به استنباط انجام می‌شود
-	- تفسیر: آنچه در کتاب خدا بیان شده و در احادیث صحیح از سنت تعیین گشته، معنایش ظاهر و واضح است و نباید در آن اجتهاد کرد - تأویل: چیزی که علمای عامل به معانی کتاب و ماهران در علوم و معارف برای آن استنباط می‌نمایند.
-	تأویل مدلول الفاظ قرآن نمی‌باشد اما تفسیر برخلاف تأویل، در معانی و مدلولهای لفظی استعمال می‌شود. و باطنی بودن تأویل را نمی‌توان وجه تمایزی حقیقی دانست زیرا تفسیر نیز شامل معانی و مفاهیم باطنی لفظ می‌باشد.
علامه طباطبائی	تأویل را بالاتر از تفسیر و تنزیل می‌داند و می‌فرماید تأویل قرآن آن چیزی است که آیه به سوی آن برمی‌گردد. در مقابل تنزیل که معنی روشن و تحت اللفظ آیه است.



ترجمه

ریشه و معنی لغوی ترجمه

از ریشه چهار حرفی «ترجم» : کشف و تفسیر و بیان	نظر صحیح : لسان و صحاح و قاموس و آقا بزرگ تهرانی در «الذریعة»
از «رجم»: سخن گفتن از روی حدس و گمان	-
از «ترجمان»	-
از زبان آرامی	-
از رجم کلدانی: افکندن	-
از «ترزبان» زبان فارسی	-
ترجمه به تفسیر کردن زبانی از زبان دیگر گویند و ترجمان کسی است که کلام دو شخص متغیر اللسان را به یکدیگر بفهماند	علامه دهخدا
«ترجمه و ترجمان به تفسیرکننده لغت گفته می‌شود و ترجمان کسی است که لغتی را به لغت دیگر نقل و بازگوئی می‌کند و در داستان هرقل آمده که به مترجم خود گفت جمع آن را تراجم است...»	ابن منظور

معانی متعدد ترجمه:

- ۱- تبلیغ و رساندن به کسی که نشنیده است.
- ۲- تفسیر و شرح سخن به همان زبان اصلی. (ابن عباس: ترجمان القرآن) در تفسیر طبری: ترجمه القرآن = مفسران و شارحان قرآن
- ۳- شرح حال بیوگرافی
- ۴- برگرداندن از زبانی به زبان دیگر (مقصود ما از ترجمه این نوع می‌باشد)

انواع و اقسام ترجمه

هرگز نمی‌تواند بازگوکننده معانی پرمحتوای قرآن باشد	تحت اللفظی
باید با کمال دقت در قرآن استفاده شود. مطلوب، این نوع ترجمه است.	آزاد (معنوی)
شرح و بسط مطالب. از حد ترجمه بیرون است.	تفسیری



سیر فقهی ترجمه

در مورد ترجمه قرآن به زبان‌های دیگر و نظریه فقهی بین دانشمندان اختلاف وجود داشت و بیشترین اوج گفتگوها در مصر بالا گرفته بود. برخی مخالف و برخی قائل به ضرورت ترجمه بودند.

دلایل ضرورت ترجمه

- ۱- اسلام یک آئین جهانی و جاودانی است.
 - ۲- تبلیغ واجب است و هر آنچه وجوب واجب در گرو آن باشد نیز واجب است.
 - ۳- نمی‌شود بدون کلید زبان آئین، یعنی ترجمه، به تکالیف آن عمل کرد.
 - ۴- در صریح سنت و روایت، جواز ترجمه قرآن آمده است.
- ✓ حدیث است که مردم فارس از سلمان فارسی درخواست نمودند که سوره فاتحه را به زبان فارسی نوشته و برای آنان ارسال نماید او در پاسخ به ترجمه «بسم الله الرحمن الرحیم» «به نام یزدان بخشاینده» اکتفا نمود و به پیامبر اکرم نیز عرضه نمود.

فوائد ترجمه قرآن

- ۱- پرده از جمال ملکوتی سخنان الهی برمی‌دارد و به شوق ایمان مردم می‌افزاید...
- ۲- مردم از راه ترجمه، جلال و شکوه قرآن را درمی‌یابند و به تدبر می‌پردازند و شبهات پاسخ داده می‌شوند.

ضرورت تفسیر قرآن کریم

- ۱- آیات الاحکام قرآن (قانون اساسی همه عصرها)
 - ۲- قرآن معجزه جاوید است.
 - ۳- قرآن منبع مطمئن شناخت هستی
 - ۴- اختلاف لهجه‌ها و تفاوت اندیشه در میان مسلمانان عرب زبان در صدر اسلام
- ✓ ابن عباس می‌گوید: نمی‌دانستم «فاطر السماوات» یعنی چه تا اینکه دیدم دو مرد بیابان‌نشین عرب در مورد چاهی به مخاصمه برخاستند و یکی از آنها گفت «...أنا فطرْتُها» و منظورش این بود که من حفر چاه را آغاز کردم. پس فاطر بودن خدا به زبان قرآن یعنی خالق به گونه‌ای که قبل از خداوند خالق نبوده و نیست.



✓ خلاصه کنکوری

تفسیر

- معنای لغوی تفسیر: تبیین و روشن نمودن. از ریشه فسر یا سفر که به معنای کشف است. اسفر الصبح: صبح روشن شد - اسفرت المرأه عن وجهها: صورت زن نمایان شد. / سفر: کشف ظاهری و مادی - فسر: کشف باطنی و

معنوی

تأویل

- معنای لغوی تأویل: به معنای رجوع از ریشه اول.

معنای اصطلاحی: مجاهد و طبری: همان معنای تفسیر است - مراد اصلی کلام - متکلمان و فقیهان:

برگرداندن لفظ از معنای راجح به معنای مرجوح

- علامه طباطبایی تأویل را بالاتر از تفسیر و تنزیل می‌داند و می‌فرماید تأویل قرآن آن چیزی است که آیه به

سوی آن برمی‌گردد. در مقابل تنزیل که معنی روشن و تحت اللفظ آیه است.



درس دوم

تفسیر در عصر پیامبر ۶ و صحابه

تفسیر در عصر پیامبر ۶

بر اساس آیه ﴿وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ﴾ پیامبر ۶ اولین مفسر آیات قرآن است.

مثال:

- ۱- پیامبر «ظلم» را در آیه ﴿الَّذِينَ آمَنُوا وَآمَرُوا بِأَعْمَارِهِمْ لِحَسْبِ اللَّهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ﴾ «ظلم» را در آیه ﴿يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَسْجُدُوا لِلشَّرْكِ بِاللَّهِ إِنَّ الشَّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ﴾ به «شرك به خدا» تفسیر کردند. (در واقع پیامبر عملاً «روش تفسیر آیه به آیه» را پایه‌گذاری فرمودند).
- ۲- در سوره فاتحه «المغضوب علیهم» را به یهود و «الضالین» را به نصاری تفسیر کردند.

تفسیر در عصر صحابه

تفسیر در عصر صحابه که از نیمه دوم قرن اول هجری بیشتر قوت گرفت، جنبه روانی و اثری داشته و بر اثر و اساس روایات و احادیث و تقریر نبی اکرم ۹ بوده و در حقیقت تفسیر شاخه‌ای از «علم الحدیث» محسوب می‌شد.



مفسرین مشهور از صحابه پیامبر ۹:

نام صحابی	توضیحات
امیرالمؤمنین علی ۷	پیامبر ۹ خطاب به علی ۷: «... انکَ تسمعُ ما أسمعُ و تری ما أری إلّا لستَ بنبیّ» - «أنا مدینةُ العلم و علیُّ بأبها» - «علیُّ مع القرآن و القرآنُ مع علیّ» - «من کنتُ مولاهُ فهذا علیُّ مولاهُ»
عبدالله بن عباس (م ۶۸ هـ ق)	پسر عمّ پیامبر ۹ و از خواص شاگردان امام علی ۷ - ابن عباس: «مأ أخذتُ من تفسیر فعلن علی بن ابی طالب» - پیامبر در مورد وی: «اللهم علّمه الحکمة» - «اللهم فقهه فی الدین و علّمه التأویل» - «اللهم فقهه فی الدین و انتشر منه» - امام علی ۷: «ابنُ عباس کأنما ینظر إلی الغیب من ستر رقیق» - القاب مختلفش: ترجمان القرآن، فارس القرآن، حبرُ الامّة، بحرُ الامّة، رئیس المفسرین، شیخ المفسرین
عبدالله بن مسعود (م ۳۲ هـ ق)	- نفر بعد از ابن عباس از نظر کثرت احادیث تفسیری - حافظ قرآن و از این نظر مورد عنایت پیامبر ۹ (نوشته‌اند پیامبر ۹ دوست می‌داشت تلاوت قرآن کریم را از زبان او استماع نماید) - از جمله ۱۲ نفری که در زمان صحابه به دوستی خاندان رسالت معروف بودند. - پایه‌گذار مکتب تفسیر کوفی
أبی بن کعب (م ۱۹ بین ۳۲ هـ ق)	- نخستین کاتب وحی بود و دو لقب داشت: سید المسلمین و سید القراء - از احبار یهود که مسلمان شد و به همین جهت واقف به اسرار کتب کهن - دارای نسخه بزرگی در تفسیر، که بعضی از علما از آن تفسیر در کتب خویش آورده‌اند.
زید بن ثابت (م ۴۵ هـ ق)	- از کتّاب وحی و از بزرگان و معروف به کنیه «ابو خارجه» - سرآمد در امور قضائی و فتوی و قرائت و فرائض در مدینه - کسی که با تشویق عمر و به دستور ابی‌بکر پس از جنگ یمامه به جمع‌آوری و تدوین قرآن پرداخت و عثمان نیز مردم را به قرائت او متحد ساخت. - ابن عباس برای کسب علم به خانه او می‌رفت و می‌گفت: «به نزد علم باید رفت، چه علم نزد کسی نمی‌آید.»
جابر بن عبدالله انصاری (م ۷۴ هـ ق)	- از مفسران معروف عصر صحابه و از مفسران طبقه اول - همراه پیامبر در ۱۸ غزوه و همراه امام علی ۷ در جنگ صفین - تا زمان امام باقر ۷ زنده ماند و سلام پیامبر ۹ را به آن حضرت رساند. - یکی از برجستگان حفاظ حدیث و سنن، و در کتب رجال شیعی از بزرگان شیعه و از ثقات محدثین معرفی گردیده. (عطیه از مفسران معروف و بنام تابعین از ملازمان جابر بوده و با هم به زیارت قبر امام حسین ۷ رفتند.)



مشخصات تفسیر در عهد صحابه

۱. تفسیر بخشی از قرآن که دارای پیچیدگی بود، و نه تمام آن.
۲. کم بودن اختلاف میان تفسیر صحابیان.
۳. ارائه تفسیری ساده از قرآن.
۴. اقتصار بر توضیح معانی لغوی و احیاناً یاد کردن سبب نزول آیه.
۵. گاهی استنباط فقهی از قرآن.
۶. عدم تدوین تفسیر بصورت مستقل.
۷. تفسیر بخشی از حدیث بود و شکل منظمی نداشت.
۸. عدم انجام تحقیق برای سند (اما گاهی به شهادت گواه استناد می‌شد).
۹. عدم وجود آراء و عقاید مختلف اصول مذاهب در تفسیر، مگر در مسأله خلافت و جانشینی پیامبر ۹ که از افرادی مانند امام علی ۷ و ابوذر و عمار نقل شده است.
۱۰. مشاهده تفسیر قرآن به قرآن در این مکتب.
۱۱. پیراستگی از تفسیر به رأی.
۱۲. پیراستگی از اساطیر، افسانه‌ها و اسرائیلیات
۱۳. قاطعیت و خالی بودن از شک و تردید

منابع صحابیان در تفسیر قرآن کریم

قرآن کریم	--
سنت	اهل سنت: گفتار و کردار و تقریر پیامبر شیعه: گفتار، کردار و تقریر پیامبر و امامان
امام علی ۷	--
اجتهاد و استنباط	--
اخبار اهل کتاب	بسیاری از اصحاب آنجا که دستشان از سخنان پیامبر ۹ کوتاه بود، جهت تکمیل معلومات خود، به اهل کتاب و آنها که تازه مسلمان شده بودند مانند عبدالله بن سلام و کعب الاحبار مراجعه می‌کردند
اشعار و ادبیات جاهلیت عرب	- خلیفه دوم تأکید داشت که در فهم قرآن به اشعار عرب مراجعه شود، ذهبی نقل می‌کند که او می‌گفت: «علیکم بدیوانکم لاتضلوا. قالو: و ما دیواننا؟ قال: شعر الجاهلیه فان فیہ تفسیر کتابکم و معانی کلامکم» - ابن عباس نیز در بسیاری از سؤالات به اشعار عربی استناد می‌نمود. نافع بن ازرق او را چنین توصیف می‌کند: «هذا الذی یجتری علی تفسیر القرآن بمالا علم له به» او کسی است که قرآن را براساس مطالبی که به آنها علم ندارد با جرأت و اطمینان بسیار تفسیر می‌کند. - ابن عباس در پاسخ نافع درباره کلمه (عزین) در آیه ﴿عن الیمین و عن الشمال عزین﴾ با استناد به شعر عبید بن ابرص: (فجاؤوا بهرعون الیه حتی یکونوا حول منبره عزینا) می‌گوید: العزون حلق الرفاق: عزون به معنای گروه دوستان زیاد است. - برخی ابن عباس را به خاطر تبخرش در استناد به لغات اشعار جاهلیت، مبتکر اسلوب لغوی در تفسیر قرآن دانسته‌اند. - نیشابوری، در مقدمه تفسیر خود این شیوه را مورد نقد قرار داده.



✓ خلاصه کنکوری

اولین مفسر قرآن کریم، پیامبر اکرم^۶ می‌باشند. نمونه: تفسیر ظلم به شرک در آیه: الَّذِينَ آمَنُوا وَ لَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ

- تفسیر در عصر صحابه از نیمه دوم قرن اول قوت بیشتر گرفت و چون بر اساس روایات بود، شاخه‌ای از علم الحدیث محسوب می‌شد.

مفسرین مشهور از صحابه پیامبر^۶: امیر المومنین علی^۷ - عبدالله بن عباس - عبدالله بن مسعود - ابی بن کعب - زید بن ثابت - جابر بن عبدالله انصاری

مشخصات تفسیر در عصر صحابه:

- ۱- تفسیر بخشی از قرآن که دارای پیچیدگی بود، و نه تمام آن.
- ۲- کم بودن اختلاف میان تفسیر صحابیان.
- ۳- ارائه تفسیری ساده از قرآن.
- ۴- اقتصار بر توضیح معانی لغوی و احیاناً یاد کردن سبب نزول آیه.
- ۵- گاهی استنباط فقهی از قرآن.
- ۶- عدم تدوین تفسیر بصورت مستقل.
- ۷- تفسیر بخشی از حدیث بود و شکل منظمی نداشت.
- ۸- عدم انجام تحقیق برای سند (اما گاهی به شهادت گواه استناد می‌شد).
- ۹- عدم وجود آراء و عقاید مختلف اصول مذاهب در تفسیر، مگر در مسأله خلافت و جانشینی پیامبر^۶ که از افرادی مانند امام علی^۷ و ابوذر و عمار نقل شده است.

مشاهده تفسیر قرآن به قرآن در این مکتب.

منابع صحابه برای تفسیر: قرآن - سنت - امام علی^۷ - اجتهاد و استنباط - اخبار اهل کتاب - اشعار دوران جاهلیت



درس سوم

تفسیر در عصر تابعین

در عصر تابعین، تفسیر قرآن کریم گامهای بزرگ و تدریجی پیشرفت را برداشت:

۱- نقل احادیث تفسیری از پیامبر ۹ و از صحابه و تابعین

۲- جمع آوری و محبوب شدن احادیث و روایات تفسیری

عده‌ای از علما بودند که برای جمع آوری احادیث و روایات به شهرها مسافرت می‌کردند و با تلاش و تفحص احادیث را گرد می‌آوردند. بعضی از آنها عبارتند از:

یزید بن هارون السّلمی (م ۱۱۷ هـ ق) - شعبه بن الحجاج (م ۱۶۰ هـ ق) - وکیع بن الجراح (م ۱۹۷ هـ ق) - سفیانی بن عیینه (م ۱۹۸ هـ ق) - روع بن عباده البصری (م ۲۰۵ هـ ق) - عبدالرزاق بن همّام (م ۲۱۱ هـ ق) - آدم بن ابی ایاس (م ۲۲۰ هـ ق) - عبد بن حمید (م ۲۴۹ هـ ق)

۳- مستقل شدن روایات و تفسیری و مدون شدن تفسیر

عده‌ای از علما که بعدها، از روی روایات تفسیری، تفاسیری را مدون نمودند:

ابن ماجه (م ۲۷۳ هـ ق) - ابن جریر طبری (م ۳۱۰ هـ ق) - ابوبکر بن منذر نیشابوری (م ۳۱۸ هـ ق) - ابن ابی حاتم (م ۳۲۷ هـ ق) - ابوالشیخ بن حیّان (م ۳۶۹ هـ ق) - الحاکم (م ۴۰۵ هـ ق) - ابوبکر بن مردویه (م ۴۱۰ هـ ق)

۴- پیدایش مکتب‌های تفسیری در عصر تابعین

این مکاتب برحسب شهرهای مهم اسلامی نامگذاری شده بود، مانند: مفسران مکه، مدینه، عراق (بصره و کوفه)

مفسران معروف عصر تابعین در مکاتب تفسیری مهم

کنکوری

✓ ضریب تست خوری این بخش از درس سوم بالاست! باید نام مفسران شاخص تابعین و مکتبی که بدان وابسته هستند را حفظ کنید. همچنین خصوصیات و ویژگی‌های هر تابعی را که ممکن است از آن سوال بدهند. کلاً این بخش را با حواس جمع و با دقت بخوانید.



الف) مکتب مکه

استاد شاخص: عبدالله بن عباس

- او تفسیر قرآن را از ابن عباس اخذ کرده
 - سفیان ثوری: تفسیر را از ۴ تن بیاموزید: سعید بن جبیر، مجاهد، عکرمه، ضحاک
 - او از مفسرین شیعی است و به همین جهت با حجاج بن یوسف درگیر شد و با او مناظراتی داشت و به خاطر تشیع و وفاداری به آن با شکنجه سختی به شهادت رسید.
 - وثاقت او مورد اتفاق اصحاب صحاح سته اهل سنت و کتب اربعه شیعی است.
 - ابن عباس او را به عنوان مطمئن‌ترین حجت و سند دینی توثیق کرده.
 - سخت از تفسیر به رأی بیمناک بود و از آن به شدت خودداری می‌کرد.

سعید بن جبیر
(۹۵ هـ)

- کنیه: ابوالحجاج
 - روایات تفسیری‌اش به نقل از امام علی ۷ و ابن عباس است.
 - در تفسیر دارای حریت و جسارت زیادی بوده به این معنی که درباره برخی از آیات قرآنی معتقد به تشبیه و تمثیل بوده و خط مشی او زیربنائی برای روش تفسیر معتزلی می‌باشد. چنانکه دستاویزی نیز در اختیار متصوفه برای تفسیر قرار داده است.
 مثلاً درباره آیه ﴿وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ الَّذِينَ اعْتَدَوْا مِنْكُمْ فِي السَّبْتِ فَقُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ﴾ گفته: این آیه به عنوان کنایه و تمثیل است و منظور از آن مسخ قلب و دل‌ها است نه مسخ قیافه و شکل مانند تمثیل و تشبیه در آیه ﴿كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا﴾

مجاهد بن جبر مکی
(۲۱-۱۰۴ هـ)

ولی طبری به علت آنکه اشعری است اینگونه تفسیر را نپذیرفته.
 و آیه ﴿وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَّاصِرَةٌ﴾ (۲۲) ﴿إِلَىٰ رَبِّهَا نَاظِرَةٌ﴾ را تفسیر کرده است: تنظر الثواب من ربها لا يراه من خلقه شيء
 این تفسیر مبنای عدم رؤیت خدا برای معتزله می‌باشد به همین جهت گروهی از مفسران و به خصوص اشعریها از تمسک به تفسیر او خودداری می‌کردند.

- از مردم بربر مغرب بوده و از ابن عباس و امام علی تفسیر را روایت می‌کند.
 - دارای ذوقی سرشار در تفسیر بوده به طوری که گاهی ابن عباس از قریحه و ذوق وی بهره‌مند می‌شد.

عکرمه

(۱۰۴، ۱۰۵ هـ)

- علامه حلی و محدث قمی درباره وی:
 عکرمه از مفسران امامیه نبوده بلکه از خوارج به شمار می‌آید و حتی یادآور شدند که به امام باقر ۷ عرض کردند که عکرمه را اجل نزدیک شده و مرگش فرا رسیده است. امام باقر ۷ فرمود: اگر به وی دسترسی داشتیم سخنی را به او تعلیم می‌دادم که طعمه آتش دوزخ نگردد.



<p>- از فقهاء مفسران به نام مکه که ۷۰ صحابی را درک کرده بود.</p> <p>- مردم وقتی برای اخذ معارف به ابن عباس مراجعه می کردند می گفت: «تجتمعون إلیّ یا اهل مکة و عندکم عطاء؟»</p> <p>- او در پاسخ سؤالی صریحاً اظهار داشت نمی دانم و گفت: «إنی أستحیی من الله ان یدان فی الارض برأیی»</p> <p>- روایات تفسیری <u>عطاء</u> و <u>مجاهد</u> که از مکتب تفسیری ابن عباس الهام می گیرد اساس کهن ترین مصنفات تفسیری می باشد.</p> <p>- سخت مورد توجه بنی امیه بود و دستور داده بودند به مردم اعلام شود جز عطا کسی دیگر برای مردم فتوی ندهد و در صورتی که در دسترس مردم نباشد باید عبدالله بن نجیح این مهم را برعهده گیرد!</p>	<p>عطاء بن ابی ریاح (۱۱۴ هـ)</p>
<p>- بیشتر معارف تفسیری خود را از ابن عباس اخذ کرده</p> <p>- در تفسیر خود از عبادله اربعه (عبدالله بن عباس، عبدالله بن مسعود، عبدالله بن عمر، عبدالله بن زبیر) و دیگر مفسران صحابه نقل و روایت می نماید.</p> <p>- مدعی بود که با ۵۰ صحابی مجالست داشته</p> <p>- برخی او را ایرانی الاصل می دانند</p> <p>- شیخ طوسی و صاحب روضات او را از اصحاب امام سجاد ۷ معرفی نموده</p> <p>- با اینکه ابن قتیبه به تشیع او تصریح می کرد ولی عده ای از محققان شیعی وی را از متصوفه و مفسران اهل سنت می دانند.</p> <p>- آقا بزرگ تهرانی با استناد به نوشته ابن الجزری احتمال می دهد که وی کتابی در تفسیر تدوین کرده است.</p> <p>- ابن عباس درباره وی: «آتی لأظن طاووسا من اهل الجنة»</p>	<p>طاووس بن کیسان یمانی (۱۰۴-۱۰۸ هـ)</p>

ب) مکتب مدینه

استاد شاخص: ابی بن کعب

<p>- قاری و مفسر بود و ابن عباس او را گرامی می داشت.</p> <p>- قرائت را از ابی بن کعب فرا گرفت.</p> <p>- نسخه ای بزرگ در تفسیر دیده شده که ابوجعفر رازی از ربیع بن انس از ابی العالیه و از ابی بن کعب روایت کرده است. ابن ابی حاتم و محمد بن جریر طبری از این نسخه در تفسیر خود بسیار نقل دارند و همچنین حاکم در المستدرک و احمد بن حنبل در مسند از این نسخه روایاتی در تفسیر آورده اند.</p>	<p>ابوالعالیه رفیع بن مهران ریاحی (۹۰-۹۳ هـ)</p>
<p>- از تابعان ذیلی که در عصر خود به فزونی علم شهرت داشت</p> <p>- برخی: از اصحاب امام سجاد ولی اخباریان: از مفسران اهل سنت</p> <p>- قرآن را به رأی خویش تفسیر می کرده</p> <p>- فرزندش عبدالرحمن بن زید و نیز مالک بن انس معروف به «امام اهل مدینه» صاحب کتاب «الموطأ» تفسیر را از او اخذ کرده اند.</p>	<p>زید بن اسلم (م ۱۳۶ هـ)</p>



<p>- از کبار مفسرین از قبیل امام علی ^۷ و ابن مسعود و ابن عباس با واسطه از ابی بن کعب، تفسیر را روایت کرده.</p> <p>- به عدالت و وثاقت و کثرت حدیث و تأویل قرآن شهرت داشت</p> <p>- روزی در مسجد با یارانش به گفتگو نشستند بود که سقف مسجد فرو ریخت و او و جمعی از یارانش زیر آوار جان خود را به سال ۱۱۸ هجری از دست دادند.</p>	<p>محمد بن کعب قرظی (م ۱۱۷-۱۱۸)</p>
---	--

ج) مکتب عراق (بصره)

استاد شاخص بصره: عبدالله بن قیس معروف به ابوموسی اشعری (۴۴ هـ)

<p>- آغازگر سخن‌گویی درباره زهد و ترک دنیا به سبکی افراطی‌تر از فرهنگ اسلام</p> <p>- تقریباً اولین کسی که تفسیر اشاری و کلمات غریبه از فرهنگ اسلام به وسیله متصوفه از او نقل شده است.</p> <p>- قائل به «قدر» بود و می‌گفت: من کذب بالقدر فقد کفر</p> <p>- شخصیتی غیر قابل قبول در نزد شیعه.</p>	<p>ابوسعید حسن بصری (م ۱۱۰ هـ)</p>
<p>- عربی‌الاصل و ساکن بصره</p> <p>- دارای اطلاعاتی گسترده در شعر عربی و انساب عرب و تبحری در زبان تازی (سعید بن مسیب: هیچ عراقی بهتر و کارآمدتر از قتاده نزد من نیامد)</p> <p>- از محبان امام علی ^۷</p> <p>(در مجلسی سخن و گفتاری از خالد بن عبدالله قسری درباره نکوهش امام علی شنید لذا برخاست و در حالی که می‌گفت: زندیق و رب الکعبه و زندیق و رب الکعبه (سوگند به پروردگار کعبه خالد بی‌دین است) از مجلس خارج شد.</p>	<p>قتاده بن دعامه سدوسی (م ۱۱۷ هـ)</p>
<p>--</p>	<p>ابوصالح باذان بصری (پس از قرن اول)</p>

د) مکتب عراق (کوفه)

استاد شاخص: ابن مسعود
ویژگی اصلی: بکارگیری رأی و قیاس

<p>- ابو اسماعیل مرّه بن سراحیل معروف به «مرّه الطیب» و مرّه الخیر بوده</p> <p>- از ابی بکر و عمر و امام علی ^۷ و ابن مسعود روایت می‌کرده</p> <p>- از نظر اهل سنت در زهد و پارسائی دارای مقامی ارجمند بود ولی مانند مسروق و شریح قاضی نسبت به امام علی ^۷ کنیه و عداوت داشت.</p>	<p>مرّه همدانی کوفی (م ۷۶ هـ)</p>
<p>- در زمان پیامبر ^۹ متولد شد و از معروفترین و داناترین روات ابن مسعود به شمار می‌رود.</p> <p>- ابن مسعود: آیاتی که من قرائت و تفسیر آنها را می‌دانستم علقمه نیز بدانها آگاهی داشت.</p> <p>- او نه تنها در احادیث اهل سنت توثیق شده بود بلکه در میان رجال حدیث شیعی نیز به زهد و تقوی و وثاقت نامی و مشهور است و در رجال کشی از بزرگان تابعین و رؤسا و زهاد</p>	<p>علقمه بن قیس (م ۶۱ هـ)</p>



این عصر به شمار آمده است.	
<p>- از برجسته‌ترین یاران و اصحاب ابن مسعود</p> <p>- دارای وثاقت از نظر اهل سنت</p> <p>- شریح قاضی در مشکلات قضاوت به او رجوع می‌نمود</p> <p>- از کوفیانی که با امام علی ۷ عداوت می‌ورزیدند.</p>	<p>مسروق بن اجدع</p> <p>(م ۶۳ هـ)</p>
<p>- ابوعمر و عامر بن شراحیل الشعبی کوفی - قاضی کوفه بود.</p> <p>- حتی در زمان حیات صحابه مردم به درس او حاضر می‌شدند.</p> <p>- جرأت تفسیر به رأی نداشت. (گفته بود: ۳ چیزند که تا بمیرم در آنها سخن نگویم: تفسیر، روح، رأی)</p> <p>- در نزد شیعه شخصیتی مذموم است.</p>	<p>عامر شعبی کوفی</p> <p>(۱۰۴-۱۰۹ هـ)</p>
<p>- از بزرگان تابعین</p> <p>- از امام علی ۷، ابن مسعود، حُذَیْفَه، بلال و ابی‌بکر و عمر روایت کرده</p> <p>- فقیهی زاهد و ثقه‌ای صالح و در تفسیر ماهر</p>	<p>اسود بن یزید نخعی</p> <p>(۷۶ یا ۷۵ هـ)</p>
--	<p>جابر بن یزید جَعْفی</p> <p>(۱۲۷-۱۳۲ هـ)</p>
--	<p>اسماعیل بن عبدالرحمن کوفی</p> <p>(۱۲۷ هـ ق)</p>

گروه دیگر از مفسران دوره تابعین و کمی پس از آن

- ۱- عطاء بن ابی سلمه خراسانی (؟)
- ۲- محمد سائب کلبی (۱۴۶ هـ)
- ۳- علی بن ابی طلعه
- ۴- قیس بن مسلم کوفی
- ۵- سلمان بن مهران (۱۴۸ هـ)
- ۶- مقاتل بن سلیمان ازدی خراسانی (۱۵۰ هـ)
- ۷- ضحاک بن مزاحم هلالی (۱۰۲-۱۰۵): از اصحاب امام زین‌العابدین ۷؛ دارای دو تفسیر کبیر و صغیر است که هر دو، مرجع تفاسیری چون طبری و طبرسی قرار گرفته.
- ۸- عطیة بن سعید عوفی جدلی کوفی (۱۱۱ هـ)
- ۹- شهر بن حوشب: روایت از امام باقر ۷ از طریق ابوحزمه ثمالی
- ۱۰- سدی کبیر: از صحابه امام زین‌العابدین ۷

ویژگی‌های تفسیر قرآن در عصر تابعین

- ۱- ورود اسرائیلیات فراوان به تفسیر



۲- تبعیت تفسیر از مکاتب مختلف اما همچنان روایی و اثری: مانند دوره صحابیان، تفسیر نشانه روایت و اثری داشت و از حدود تفسیر نقلی بیرون نرفت. اما نتوانست مانند عصر صحابیان رنگ روایی و نقلی خود را حفظ کند و تفسیر در این عصر تابع مکتب‌های مختلف در بلاد گشت. در مکه از ابن عباس، در مدینه از ابی بن کعب، در عراق از عبدالله بن مسعود پیروی می‌کردند. در میان مفسران این عصر، سعید بن جبیر، طاووس یمانی، عامر شعبی، سخت از تفسیر به رأی خودداری می‌کردند. ولی درباره مجاهد و عطاء بن ابی ریح و زید بن اسلم و قتاده و اصولاً اکثر مفسران اهل کوفه نوشته‌اند که از تفسیر به رأی ابائی نداشته‌اند.

۳- حمایت از مذاهب خاص در تفسیر: بذل اختلاف مذهبی پاشیده شد و تفسیرهایی پدید آمد که در آنها از مذهب خاصی حمایت می‌شد. چنانچه قتاده متهم به «قدر» و حسن بصری و شاگردش واصل بن عطاء سرآغازی برای مکتب اعتزال بودند.

۴- اختلافات مذهبی و سیاسی گسترده‌تر در تفسیر: اختلاف میان تابعان از اختلاف میان صحابیان بیشتر است و این اختلافات مولود تأویلات نارواست که برای اثبات عقاید سیاسی و مذهبی استخدام شده است. و نخستین اختلاف بعد وفات پیامبر^۹، اختلاف در امامت و خلافت است.

۵- گسترده‌گی تفسیر

۶- شکل یافتن، ثبت و تدوین تفسیر



✓ خلاصه کنکوری

مکاتب مهم تفسیری دوره تابعان: مکه، مدینه، عراق (کوفه و بصره)

مفسران مهم مکتب مکه: (استاد شاخص: عبدالله بن عباس)

سعید بن جبیر - مجاهد بن جبر - عکرمه - عطاء بن ابی‌ریاح - طاووس بن کیسان یمانی

مفسران مهم مکتب مدینه: (استاد شاخص: ابی بن کعب)

ابوالعالیه رفیع بن مهران ریاحی - زید بن اسلم - محمد بن کعب قرظی

مفسران مهم مکتب بصره:

حسن بصری - قتاده بن دعامه سدوسی - ابوصالح باذان

مفسران مهم مکتب کوفه: (استاد شاخص: عبدالله بن مسعود - ویژگی: بکارگیری رأی و قیاس)

مره همدانی - علقمه بن قیس - مسروق بن اجدع - عامر شعبی - اسود بن یزید نخعی - جابر بن یزید جعفی -

اسماعیل بن عبدالرحمان

*** نکات:**

- سعید بن جبیر از مفسرین شیعی است و به همین علت توسط حجاج بن یوسف به شهادت رسید. / ابن عباس او را توثیق کرده.

- خط مشی مجاهد بن جبر زیربنایی برای روش تفسیر معتزلی است. همچنین دستاویزی است برای متصوفه.

- عکرمه ذوق سرشاری داشت و از خوارج محسوب می‌شد.

- روایات تفسیری عطاء بن ابی‌ریاح و مجاهد که از ابن عباس گرفته‌اند، اساس کهن ترین مصنفات تفسیری است.

- طاووس بن کیسان تفسیر را از عبادله اربعه اخذ کرده. برخی او را ایرانی می‌دانند. گفته اند از اصحاب امام سجاد^ع بوده.

- مالک بن انس (امام اهل مدینه) تفسیر را از زید بن اسلم فرا گرفته است.

- حسن بصری آغازگر سخن‌گویی درباره زهد افراطی / اولین کسی که تفسیر اشاری و کلمات غریبه متصوفه از او نقل شده است.

- قتاده دارای اطلاعات گسترده در شعر و انساب عرب و از محبان امام علی^ع است.

- علقمه بن قیس از داناترین روات ابن مسعود است / در میان شیعه نیز به وثاقت و تقوا مشهور است.

- عامر شعبی: ۳ چیزند که تا بمیرم درباره آن سخن نگویم: تفسیر، روح، رأی / نزد شیعه مذموم است.

*** ویژگی‌های تفسیر در دوره تابعان:**

۱- ورود گسترده اسراییلیات به تفسیر

۲- تبعیت تفسیر از مکاتب مختلف اما همچنان روایی و اثری

۳- حمایت از مذاهب خاص در تفسیر

۴- اختلافات مذهبی و سیاسی گسترده‌تر در تفسیر



درس چهارم

تفسیر در عصر تدوین

ظهور مرحله تدوین تفسیر در اواخر عهد بنی‌امیه و اول عهد بنی‌عباس، یعنی در سال ۱۳۳ هـ ق بوده است.

نخستین مدون تفسیر

تشخیص نخستین مدون براساس مدارک مختلف، کار آسانی نیست و در این مورد نظرات مختلفی وجود دارد از جمله: ابن عباس - سعید بن جبیر - فرّاء نحوی - عکرمه - عمرو بن عبّید - ابن جریح
اگرچه ابن ندیم فرّاء نحوی را اولین مدون تفسیر قرآن می‌داند ولی او در سال ۲۰۷ هجری از دنیا رفت و نیز سیوطی از مجاهد یاد کرده که تفسیر ابن عباس را تماماً نوشته است ولی ابن عباس متوفی ۶۸ هـ ق و مجاهد متوفی ۱۰۴ هـ ق است و در این موارد نسبت به تعیین نخستین مدون تفسیر محققان نظر قطعی ارائه ننموده‌اند.
باتوجه به این شواهد و اینکه دانشمندان اهل سنت سعید بن جبیر را اعلی‌م تابعین در تفسیر قرآن کریم معرفی کرده‌اند. به حدس و ظن قوی می‌توان گفت، وی نخستین مؤلف و مدون تفسیر قرآن است.

تفسیر عقلی

اولین کسی که پس از پیامبر^۹، معارف قرآن و معرفت توحید را با روش عقلی و بیان ظریف و عمیق فلسفی تبیین و تفسیر نمود، امام علی^۷ بود.

نمونه‌هایی از بیانات امیرالمؤمنین^۷ در تفسیر عقلی:

- در تفسیر ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ فرمودند: الاحدُ لا بتأویل عدَد (وحدت حقیقی)، لا یَشْمَلُ بحدِّ و لا یَحْسَبُ بَعْدَ
- در تفسیر ﴿هُوَ مَعَكُمْ أَيْنَمَا كُنْتُمْ﴾: «مع کلّ شیءٍ لا بمقارنَهٍ و غیرُ کلّ شیءٍ لا بمزایلهٍ»، «لیس فی الاشیاءِ بوالج ولا عنها بخارج»، «کائنٌ لاعن حدثٍ موجودٌ لاعن عدم»
اوج‌گیری بحث قضا و قدر و جبر و اختیار هم از همین زمان بوده.
- مذهب قدریه و جهمیّه چندان پایدار نماندند ولی معتزله و اشاعره وارث ایشان گشتند.
- به هر حال این سیر از قرن دوم هجری آغاز شد و در قرن چهارم و ششم به شدت رسید چنانکه می‌بینیم در قرن چهارم شیخ الطائفه محمد بن حسن طوسی (م ۴۶۰ هـ) تفسیر «التبیین فی تفسیر القرآن» را به صورت کلامی تدوین کرد و پس آن همگام با تعطیلی همه آثار فکری، تفسیر عقلی نیز رو به ضعف نهاد. از قرن ۸ ام تفسیر فلسفی رو به فزونی نهاد و در قرن ۱۱ ام با ظهور مکتب فلسفی میرداماد و ملاصدرا و دیگران به اوج خود رسید چنانکه ملاصدرا تفاسیر خود را با نامهای «اسرار الآیات» و مجموعه تفاسیر را به صورت عقلی و فلسفی نوشت و بار دیگر در قرن ۱۴ ام تفسیر عقلی به شدت رسید.



در حال حاضر تفسیر سوره حمد امام خمینی (ره) و تفسیر موضوعی آیه الله جوادی آملی متضمن تفسیر عقلی و عرفانی می‌باشد.

نمونه‌هایی از تفاسیر تخصصی:

قرن دوم: تفسیر جوالیقی (نقلی - کلامی)
 قرن سوم: تفسیر دینوری (نقلی - ادبی - حکمی)
 قرن چهارم: تفسیر ابوعلی فارسی (ادبی - کلامی)
 قرن پنجم: تفسیر ابوالفتح دیلمی (ادبی - نظری)
 قرن نهم: تفسیر جامی (ادبی - صوفیانه)
 قرن یازدهم: سدره المنتهی (میرداماد) (حکمی) - تفسیر مولی صدرا (حکمی)
 معاصر: المیزان علامه طباطبائی (ادبی - استنباطی - نقلی - فلسفی) - تفسیر سوره حمد امام خمینی (ادبی - عرفانی - حکمی)

☑ خلاصه کنکوری

ظهور مرحله تدوین تفسیر، در اواخر عهد اموی و اوایل عهد عباسی است.
اولین مدون تفسیر: افراد زیادی به عنوان اولین مدون تفسیر معرفی شده‌اند. از جمله: ابن عباس، سعید بن جبیر، فراء نحوی، عکرمه، عمرو بن عبید، ابن جریح - ابن ندیم، فراء نحوی را اولین مدون تفسیر خوانده، اما قول ارجح آن است که اولین مدون تفسیر کسی نیست جز سعید بن جبیر.

